

مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی؛ با رویکردی به شرکتهای تجاری

سعید محسنی*

دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

سید محمد مهدی قبولی درافشان

دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۹/۱۵)

چکیده

صدور سند تجاری به نمایندگی، از مباحث مهم حقوق اسناد تجاری است. به موجب قواعد عمومی، تعهدات ناشی از سندی که به نمایندگی صادر شده باشد، اصولاً متوجه اصیل بوده، نماینده از این جهت مسئول نیست. همچنین در صورت انجام عمل حقوقی از سوی شخص فاقد نمایندگی یا شخصی که از حدود نمایندگی تجاوز کرده است، عمل حقوقی یادشده دارای نفوذ حقوقی نیست. حال پرسش این است که اگر نماینده در خصوص صدور سند تجاری، سمت خویش را اظهار نکند یا برخلاف ادعای نمایندگی، دارای سمتی نباشد یا از حدود اختیارات خویش تجاوز نموده باشد، آیا می‌توان با وجود قواعد عمومی پیش‌گفته، چنین شخصی را مسئول تعهدات ناشی از صدور سند دانست. با توجه به وضعیت خاص نمایندگی شرکتهای تجاری، این پرسش‌ها در خصوص شرکتهای یادشده اهمیت بیش‌تری می‌یابد. این جستار در صدد است با توجه به اقتضائات اسناد تجاری و مقررات خاص قانون تجارت، برای این مسائل در نظام حقوقی ایران پاسخی شایسته ارائه نماید.

واژگان کلیدی

سند تجاری، نمایندگی، شرکت تجاری، مسئولیت نماینده.

۱. مقدمه

امروزه اسناد تجاری در مراودات میان اشخاص به‌ویژه در مبادلات تجاری در سطح ملی و بین‌المللی از گسترش و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. رواج اسناد تجاری خود موجب گسترش اعمال حقوقی مرتبط با آن از قبیل صدور سند و ظهرنویسی شده است. هریک از این اعمال حقوقی مسئولیت‌ها و حقوقی را ایجاد می‌کنند. از این میان مسئله صدور سند به‌عنوان نقطه آغازین جریان سند در مراودات تجاری و غیر آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. صدور سند تجاری به‌عنوان یک عمل حقوقی، ممکن است از سوی نماینده شخص انجام شود. به‌موجب ماده ۲۲۷ قانون تجارت ایران، «برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود...». این حکم در بند سه ماده ۳ قانون متحدالشکل ژنو درباره برات و سفته (ضمیمه اول کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۳۰) و بند سه ماده ۲-۵۱۱ قانون تجارت فرانسه نیز تصریح و به‌موجب آن مقرر شده که «ممکن است برات به حساب شخص ثالث صادر گردد». بر اساس مستنبط از ماده ۱۱ قانون متحدالشکل درباره چک (ضمیمه اول کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۳۱) مارس ۱۹۳۱ نیز نمایندگی در صدور چک پذیرفته شده است.

صدور سند تجاری به نمایندگی، زمینه‌ساز پرسش‌های مهمی در خصوص مسئولیت نماینده و شخصی که سند از طرف او صادر شده است، می‌گردد. در خصوص صدور سند تجاری به نمایندگی، باید دید آیا می‌توان مسئولیت نداشتن نماینده و توجه مسئولیت به اصیل را به‌عنوان قاعده‌ای عمومی پذیرفت یا باید نماینده را نیز در این باره مسئول دانست. آیا میان فرضی که نماینده سمت خویش را آشکار نموده با فرضی که نمایندگی خویش را افشا نکرده است، تفاوتی وجود ندارد؟ در این میان وضعیت ادعای غیرواقعی نمایندگی و تجاوز نماینده از حدود اختیارات خود نیز قابل بررسی است. بدیهی است پاسخگویی به چنین پرسش‌هایی می‌تواند قواعد عام درباره مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی را ترسیم نماید. به‌علاوه با توجه به اینکه نمایندگی شرکت‌های تجاری گاه دارای احکام ویژه‌ای است که می‌تواند در پاسخ به پرسش‌های یادشده مؤثر واقع شود، پرداختن مستقل به مسئله مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی از جانب شرکت تجاری شایسته است. باید توجه داشت که قلمرو موضوعی این مقاله ناظر به اسناد تجاری به معنی خاص کلمه (چک، سفته و برات) می‌باشد که دارای اشتراک‌های زیادی از نقطه‌نظر موضوع مقاله حاضر است. از این‌رو، در خلال بررسی موضوعات یادشده در حقوق ایران، بر حسب مورد، توجه به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱م در خصوص اسناد تجاری به‌عنوان یک سند بین‌المللی مهم، و اشاره به مقررات تجاری کشور فرانسه در زمینه اسناد تجاری به‌عنوان منبع الهام قانون تجارت ایران، بر غنای بحث خواهد افزود.

۲. قواعد عام مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی

با توجه به ویژگی خاص اسناد تجاری و ضرورت های مربوط به آن، باید دید که آیا می توان در خصوص اسناد پیش گفته از اصل عدم مسئولیت نماینده و توجه مسئولیت به اصیل سخن گفت. افزون بر این، با توجه به مقتضیات خاص اسناد تجاری، در چه مواردی می توان شخصی را که به عنوان نماینده، سند تجاری صادر نموده، مسئول دانست.

۱.۲. اصل عدم مسئولیت نماینده و توجه مسئولیت به اصیل

در صورت صدور سند تجاری از سوی نماینده، باید دید مسئولیت متوجه چه کسی است؛ اصیل یا نماینده صادرکننده یا هر دوی ایشان؟. برای پاسخ به این پرسش، نخست باید مقررات حقوق تجارت بررسی شود. بدیهی است در صورت وجود اصلی در این خصوص در مقررات خاص تجاری، باید بر اساس آن عمل شود. در غیر این صورت باید از قواعد عام حقوق مدنی بهره گرفت. در حقوق ایران، فرانسه و قانون متحدالشکل ژنو به صورت مطلق، سخن از مسئولیت صادرکننده سند به میان آمده است. به موجب ماده ۹ قانون متحدالشکل ژنو درباره برات و سفته و ماده 6-511 L قانون تجارت فرانسه، «براتکش در خصوص قبولی و پرداخت مسئولیت دارد...». ماده ۱۲ قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک نیز مقرر نموده، «صادرکننده چک ضامن پرداخت آن است...». ماده ۲۴۹ قانون تجارت ایران نیز سخن از مسئولیت تضامنی اشخاص متعددی از جمله براتکش (برات دهنده) به میان آورده است. این حکم به موجب ماده ۳۰۹ و ماده ۳۱۴ این قانون به ترتیب، درباره سفته و چک نیز قابل اجراست.

با توجه به مطالب پیش گفته، برخلاف نظر برخی از نویسندگان (خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۴۵)، به نظر می رسد در فرض صدور سند تجاری از سوی نماینده، اصولاً مسئولیت متوجه صادرکننده (اصیل) بوده و نماینده از این بابت مسئول نیست. در تأیید این نظر چند دلیل وجود دارد. از سویی، متبادر از اصطلاح «برات دهنده» در ماده ۲۴۹ قانون تجارت ایران و اصطلاح «tireur» در مقررات قانون فرانسه و قانون متحدالشکل ژنو، شخص اصیل است؛ خواه مباشرت در صدور سند داشته باشد یا اینکه دیگری به نیابت از او اقدام به صدور سند نماید.

این تفسیر با مقررات عام حقوق مدنی نیز سازگار است.^۱ به موجب ماده ۶۷۴ قانون مدنی ایران، «موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است، انجام دهد...». نظریه مورخ ۶۷/۱۲/۱۸ قضات دادگاه های صلح و حقوقی ۲ که به اتفاق آرا صادر شده نیز به

۱. در بند یک ماده ۳-۲ اصول قراردادهای تجاری بین المللی که از سوی مؤسسه بین المللی یکنواخت نمودن حقوق خصوصی بر پایه مطالعات تطبیقی تدوین گردیده، همین اصل در خصوص نمایندگی های افشا شده پذیرفته شده است (UNCITRAL, 2010, p. 78).

استناد ماده ۶۷۴ قانون مدنی همین نظر را پذیرفته است. به موجب این نظریه، «نظر به ماده ۶۷۴ قانون مدنی ... چنانچه وکیل در حدود اختیارات خود از جانب موکل سفته را امضا نموده باشد موکل نسبت به آن سند مسئول و متعهد شناخته می‌شود و نه وکیل» (نوبخت، ۱۳۸۵، ۱۵۲). این ماده و مواد مربوط به تعهدات وکیل (ماده ۶۶۶ تا ۶۷۳) دلالت بر تعهد موکل داشته، دلالتی بر مسئولیت وکیل به‌عنوان یک اصل کلی ندارد. بنابراین در فرض صدور سند تجاری به نمایندگی نیز اصولاً اصیل مسئول است و نماینده مسئولیت ندارد^۱. با این‌همه، مسئله اخیر دارای استثنای قانونی است که در ادامه مقاله بررسی خواهد شد.

۲.۲. امکان شناسایی مسئولیت برای نماینده

در مواردی، شخصی که به نمایندگی اقدام به صدور سند تجاری نموده، مسئول تلقی می‌شود. در این راستا از سوی، کتمان نمایندگی ممکن است مسئله مسئولیت نماینده را مطرح نماید. از سوی دیگر، فقدان نمایندگی یا تجاوز نماینده از حدود اختیارات می‌تواند موجب مسئولیت وی باشد. افزون‌براین، در موارد خاص قانونی ممکن است بنابر مصالحی، نماینده‌ای که سند را صادر نموده است، مسئول دانسته شود.

۲.۲.۱. نمایندگی افشانشده

ممکن است نماینده در زمان صدور سند، نمایندگی خود را افشا نکرده باشد. این موضوع به‌ویژه زمانی رخ می‌دهد که صادرکننده واقعی سند تمایل ندارد که دیگران از روابط تجاری او با اشخاص دیگر آگاه شوند (ر.ک. صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶). مثال بارز این مسئله در بحث حق‌العمل‌کاری ظاهر می‌شود. حال باید دید، در فرض صدور سند به نمایندگی و افشا نکردن سمت، چه شخصی مسئول است. این پرسش در فرضی مطرح می‌شود که پس از صدور سند بدون اظهار نمایندگی، امضاکننده برای گریز از تعهد پرداخت، مدعی نمایندگی در صدور سند می‌شود. بنابراین باید دید بر فرض اثبات این ادعا، چه شخص یا اشخاصی (اصیل، نماینده یا هر دو) مسئولیت دارند. اهمیت پرداختن به این مسئله در این است که از سوی، مطابق اصل پیش‌گفته، اصولاً نماینده مسئولیتی بابت تعهداتی که برای منوب‌عنه خود ایجاد می‌کند، ندارد. از سوی دیگر، دارنده سند به اعتماد ظاهر و اینکه امضاکننده سند متعهد آن محسوب می‌شود، حاضر به پذیرش سند شده است.

۱. در حقوق انگلستان نیز افزودن عبارتی دال بر اینکه امضای صادرکننده از جانب اصیل یا به سمت نمایندگی از طرف وی بوده، موجب سلب مسئولیت از امضاکننده می‌باشد (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ص ۵۸۶).

در نظام حقوقی فرانسه با توجه به ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی این کشور، قاعده کلی این است که در صورت وجود قراردادی که از دید اشخاص ثالث پنهان شده، این قرارداد پنهان، فاقد هرگونه اثری علیه اشخاص ثالث است و فقط در روابط طرفین قرارداد حاکم است (Flour, Aubert et Savaux, 2002, p. 298; Colin, Capitant et Julliot De la Morandière, 1966, p. 282). برخی از حقوق دانان فرانسه (Maurie, Aynès et Gautier, 2009, p. 280) بر این قاعده در مبحث نمایندگی تصریح داشته اند^۱. بنابراین در مسئله موضوع بحث نیز از آنجایی که قرارداد نمایندگی نسبت به دارنده سند از مصادیق قراردادهای پنهان است، علیه وی قابل استناد نیست. برخی از حقوق دانان تجاری فرانسه (Legeais, 2009, P. 374) نیز ضمن مسئول دانستن نماینده ای که بدون آشکار نمودن سمت خویش، سند را صادر کرده است، از نبود رابطه میان اصیل و اشخاص ثالث (در اینجا دارنده سند) سخن گفته اند. در واقع احکام یادشده مبتنی بر اعتبار بخشیدن به ظاهری است که اعتماد معقول و مشروعی را برای اشخاص ثالث ایجاد نموده است. برخی از حقوق دانان فرانسه (Cornu, 1992, p. 56) در این خصوص از «نظریه عمل به ظاهر»^۲ یاد کرده و در تبیین مفهوم نظریه، از کافی بودن وضع ظاهر برای پیدایش آثار حقوقی نسبت به اشخاص ثالث ناآگاه (به دلیل اشتباهی مشروع) سخن گفته اند. در واقع همان گونه که برخی (Ghillien et Vincent, 2007, p. 49) اعلام داشته اند، به منظور تأمین امنیت حقوقی و برای وضعیت ظاهری، آثار و نتایج حقوقی پذیرفته شده است.

مقررات قانون تجارت ایران در باب اسناد تجاری در خصوص این مسئله ساکت است. بنابراین باید دید آیا می توان حکم مسئله را در مقررات دیگر جستجو نمود. برای این مهم از سویی، مطالعه قواعد عمومی حاکم بر اعمال حقوقی و از سوی دیگر، تحقیق در قواعد اختصاصی که دارای ملاک مشترک با موضوع مورد بحث است، شایسته و راه گشاست. در این راستا، با ماده ۱۹۶ قانون مدنی به عنوان یکی از قواعد عام، روبرو هستیم. به موجب این ماده، «کسی که معامله می کند، آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود...». به موجب این ماده، امکان اثبات نمایندگی برای شخصی که در زمان انعقاد قرارداد، نمایندگی خویش را مخفی نموده، پذیرفته شده است. در خصوص این حکم، دو نوع تفسیر قابل ارائه است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۵۲-۵۱). از سویی ممکن است حکم یادشده را ناظر بر روابط میان وکیل و موکل دانست که بر این اساس، اثبات وکالت تأثیری علیه طرف قرارداد که ثالث و ناآگاه نسبت به وکالت به شمار می آید،

۱. بند یک ماده ۴-۲-۲ اصول قراردادهای تجاری بین المللی نیز نمایندگی افشانشده را علیه ثالث معتبر ندانسته، نماینده را شخصاً مسئول انجام تعهدات می داند (UNCITRAL, 2010, p. 81).

2. La théorie de l'apparence.

نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، وی می‌تواند وکیل یادشده را همچنان طرف قرارداد تلقی نماید. از سوی دیگر، ممکن است حکم موضوع بررسی ناظر به روابط میان طرفین قرارداد به‌شمار آید. در این صورت همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶؛ امیر معزی، ۱۳۸۸، ص ۷۱) معتقدند، وکیل می‌تواند با اثبات وکالت، در برابر طرف قرارداد، از زیر بار تعهدات بگریزد و عملاً طرف قرارداد مجبور به مراجعه به موکل خواهد بود. برای داوری میان دو تفسیر ارائه‌شده، باید به مبانی قانون مدنی و نیز اصول کلی حقوقی به‌عنوان خط هدایت‌گر توجه نمود.

در این خصوص گروهی از فقهای امامی (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۴۴۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ص ۴۴۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ص ۳۰۳-۳۰۲؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۲۳، ص ۲۳۴) در فرض پنهان بودن وکالت و افشا نشدن سمت از سوی وکیل، امکان رجوع طرف قرارداد (شخص ناآگاه از وکالت) به وکیل را پذیرفته‌اند.^۱ در واقع در این فرض اراده‌ی ظاهری معتبر است. در توجیه مبانی این حکم این‌گونه استناد شده که از نگاه طرف قرارداد، عملکرد وکیل در این فرض ظهور در این دارد که قرارداد برای شخص وکیل رخ داده است. به دیگر سخن، اعتماد مشروعی که بر اساس این ظهور پدید آمده، محترم و شایسته حمایت دانسته شده است.^۲

این نظر با اصول کلی حقوقی نیز هماهنگ‌تر است. زیرا یکی از اصول کلی حقوقی در این زمینه، لزوم حفظ امنیت معاملات است. در واقع اعتبار بخشیدن به اعتماد مشروع اشخاص در معاملات، موجب امنیت‌بخشی به قراردادها و ثبات روابط قراردادی می‌شود؛ برعکس بی‌اعتنایی به اعتماد مشروع باعث تزلزل و ناامنی در روابط قراردادی می‌گردد (در تأیید این نظر ر.ک. صفایی، ۱۳۸۵، ص ۸۳-۸۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰-۱۱۹).

افزون‌بر قواعد عام یادشده، برخی از قواعد اختصاصی نیز که با مسئله موردبحث دارای قرابت و نزدیکی است، قابل استناد و استدلال است. در این راستا، با مقررات حاکم بر روابط قراردادی حق‌العمل‌کار روبرو هستیم. حق‌العمل‌کار از سویی، با آمر خود رابطه‌ی قراردادی دارد و از سوی دیگر، با طرف قرارداد رابطه‌ی حقوقی دارد که ممکن است شخص اخیر از نیابت وی بی‌اطلاع باشد. به دیگر سخن، در پی اقدامات حق‌العمل‌کار تعهد مستقیمی میان آمر و طرف قرارداد ایجاد نمی‌شود و تعهدات ناشی از قرارداد به‌عهده‌ی حق‌العمل‌کار و طرف قرارداد است. (در تأیید این نظر ر.ک. کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۵۲؛ اسکینی، ۱۳۷۶، ص ۵۵؛ عرفانی، ۱۳۸۶، ص ۴۲۸) همچنین ماده‌ی ۶

۱. گفتنی است که در جزئیات رجوع طرف قرارداد به وکیل، اختلاف‌هایی به‌چشم می‌خورد. برای آگاهی از جزئیات بحث به کتاب‌های پیش‌گفته، مراجعه شود. همچنین ر.ک. انصاری، ۱۴۲۰، ص ۳۹۱.
 ۲. برخی از استادان حقوق (شهیدی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۰۴)، ضمن پذیرش ظهور یادشده براین باورند که در صورت وجود ظهور قوی‌تر مبنی بر انعقاد قرارداد برای موکل باید بر اساس آن عمل شود.

قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ش قرارداد را متعلق به شخصی می داند که آن را منعقد نموده است. تنها استثنای این حکم ناظر به موردی است که نام شخص دیگر در قرارداد تصریح شود. در نتیجه در صورتی که قرارداد بیمه به وکالت از طرف غیر منعقد شده، ولی چنین وکالتی تصریح نشده باشد، قرارداد به حساب وکیل گذاشته خواهد شد. به نظر می رسد در چنین مواردی، ملاک حکم قانون گذار، احترام به اعتماد مشروع ناشی از ظاهر معتبر موجود در زمان انعقاد قرارداد است. همین ملاک در خصوص مسئله موضوع بررسی (صدور سند تجاری به نمایندگی و پنهان نمودن وکالت در آن خصوص) نیز وجود دارد.

با توجه به قواعد عمومی و ملاک قواعد اختصاصی یادشده، مسئول دانستن نماینده ای که در مقام صدور سند تجاری نمایندگی خویش را مخفی نگاه داشته، منطقی و موجه است. به دیگر سخن، در اسناد تجاری نیز همان گونه که برخی (امیرمزی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۲) به درستی بیان نموده اند، باید از دارنده باحسن نیت حمایت های مناسب صورت گیرد، زیرا اسناد تجاری در اثر ظهورنویسی در اختیار کسانی قرار می گیرد که آگاهی از اوضاع و احوال زمان صدور آن ندارند و صرفاً به آنچه در متن سند درج شده است، اعتماد کرده اند. به تعبیر برخی دیگر (مافی و کدیور، ۱۳۹۳، ص ۴۳)، در حقوق تجارت، آنچه ظهور و بروز خارجی یافته، نسبت به قصد درونی و پنهان اشخاص، دارای اهمیت بیشتری بوده است؛ از این رو در پیدایش آثار حقوقی نقش بیشتری ایفا نموده، ملاک اعتبار قرار می گیرد. به ویژه همان گونه که برخی از نویسندگان حقوقی (صقری، ۱۳۹۰، ص ۹۰؛ پورنادر و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹) بیان داشته اند، اعتماد به ظواهر معتبر پیش شرط اصل سرعت در انعقاد و اجرای معاملات تجار و گردش اعتبارات و اسناد در امور تجاری است. در این راستا، پذیرش استناد به وضع ظاهر، روش اصلح برای حمایت از تجار باحسن نیت دانسته شده است (صقری، ۱۳۹۰، ص ۹۰).

چنانچه باوجود عدم اظهار نمایندگی، دارنده سند از وکالت مزبور آگاه باشد، مسئول دانستن نماینده صحیح نمی نماید، زیرا دارنده سند با تکیه و اعتماد به ظاهر اقدام نکرده و آگاه به واقع بوده است. در همین راستا، به اعتقاد برخی (اسکینی، ۱۳۷۶، ص ۵۴؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷) در صورت عالم بودن دارندگان به اصیل نبودن امضاکننده، تصریح به نمایندگی در متن سند لازم نیست. در غیر این صورت نمی توان به وکیل بودن امضاکننده استناد کرد. همچنین باید توجه داشت که مسئول شناختن نماینده ای که سمت خویش را پنهان نموده است، به معنی مسئولیت نداشتن اصیل نیست. در واقع با توجه به اینکه مبنای شناسایی مسئولیت برای نماینده، حمایت از دارنده باحسن نیت است، با این فرض، پس از صدور سند، اثبات نمایندگی علیه دارنده سند قابل استناد نیست؛ لیکن دارنده سند اصولاً می تواند به نفع خویش به واقعیت یادشده استناد نماید (برای آگاهی از نظر مخالف ر.ک. صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷).

حال باید دید آیا شخصی که به نمایندگی اقدام به صدور سند تجاری نموده و به دلیل افشا نکردن نمایندگی خود مجبور به انجام تعهد شده است، می‌تواند همانند اصیل در فرض پرداخت وجه سند، از حقوق ناشی از سند برخوردار باشد؟ برای نمونه، در خصوص براتی که برات‌گیر آن را پذیرفته است، آیا نماینده صادرکننده که به دلیل افشا نکردن سمت خود ملزم به تأدیه وجه سند شده است، می‌تواند وجه سند را از برات‌گیر مطالبه نماید؟

به نظر می‌رسد، در خصوص امکان مراجعه شخص مورد نظر (نماینده صادرکننده که نمایندگی خود را اظهار نکرده) به منوب‌عنه تردیدی وجود ندارد، زیرا با اثبات وکالت، رابطه نمایندگی اثر قانونی خود را در روابط میان وکیل و موکل برجای خواهد گذاشت؛ ولی این راه حل کامل نیست و به موجب آن، فقط امکان توجیه مراجعه شخص یادشده به منوب‌عنه وجود دارد. توضیح اینکه حق مراجعه نماینده به منوب‌عنه در این راه حل، ناشی از تعهدات مربوط به سند تجاری نبوده، ریشه در روابط خصوصی نماینده و منوب‌عنه دارد (در تأیید این نظر ر.ک. اسکینی، ۱۳۷۶، ص ۵۵). برای مراجعه شخص یادشده به متعهدان سند تجاری باید از ملاک احکام راجع به پرداخت به وسیله ثالث کمک گرفت. در واقع قانون‌گذار برای اعتباربخشی به اسناد تجاری، نهاد پرداخت به وسیله ثالث را مقرر نموده است. به موجب ماده ۲۷۱ قانون تجارت، «شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته، دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است». این ماده یکی از مصادیق قائم‌مقامی در اثر پرداخت است. شخص ثالث با پرداخت وجه سند به دارنده، قائم‌مقام وی شده، حقوق و تکالیف وی را دارا خواهد بود. گفتنی است که این حکم اعم است از اینکه شخص ثالث با اجازه مسئول سند یا بدون اجازه وی، اقدام به پرداخت نموده باشد. در واقع از دید قانون‌گذار تسهیل پرداخت وجه سند به نفع دارنده مهم است. بنابراین پرداخت به وسیله ثالث حتی اگر بدون اجازه مسئول سند و حتی بدون وجود تکلیفی در این خصوص انجام شود، حق مراجعه ثالث به شخصی که از طرف او پرداخت گردیده و ایادی سابق وی و نیز برات‌گیر قبول‌کننده را به دنبال دارد.

بنابراین، چنانچه در خصوص پرداخت به وسیله شخص ثالث که با ابتکار شخص یادشده و بدون هرگونه اذن قبلی انجام شده است، اگر ثالث پرداخت‌کننده بر اساس ترتیبات مربوط به اسناد تجاری، حق مراجعه به دیگران داشته باشد، به طریق اولی نماینده صادرکننده (در فرض افشا نکردن سمت) نیز باید دارای حق مراجعه باشد، زیرا برخلاف ثالث پرداخت‌کننده، پرداخت از سوی شخص پیش‌گفته همراه اذن قانونی و بلکه همراه تکلیف قانونی است. به دیگر سخن، الزام قانونی چنین شخصی به پرداخت نیز حاوی نوعی اذن قانونی برای پرداخت است. در نتیجه در مقایسه با ثالث پرداخت‌کننده، به طریق اولی باید امکان مراجعه وجود داشته باشد.

با پذیرش تشابه پرداخت از سوی نماینده صادرکننده در این فرض با پرداخت به وسیله شخص ثالث، می توان از حکم ماده ۲۷۲ قانون تجارت برای تعیین حدود حق مراجعه نیز استفاده نمود. توضیح اینکه به موجب این ماده، «اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت، تمام ظهرنویس ها بری‌الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویس ها به عمل آید، ظهرنویس های بعد از او بری‌الذمه اند». به دیگر سخن، ثالث پرداخت کننده، حق مراجعه به شخصی که از طرف او پرداخت کرده است و ایادی سابق بر وی و برات گیر قبول کننده را دارد. به همین ترتیب، نماینده ای که در زمان ایجاد تعهد، نمایندگی خود را اظهار نکرده است، در صورت پرداخت، همانند ثالث پرداخت کننده، حق مراجعه خواهد داشت.

با توجه به این استدلال، پاسخ مسئله در نظام حقوقی فرانسه و قانون متحدالشکل ژنو نیز مثبت است؛ به ویژه اینکه در نظام های حقوقی یادشده افزون بر این استدلال، از ملاک ماده L.511-5 قانون تجارت فرانسه (پاراگراف اخیر ماده) و ماده ۸ قانون متحدالشکل ژنو درباره برات و سفته نیز می توان استفاده نمود. به موجب مقررات یادشده، «هر که به عنوان نماینده شخصی، براتی را امضا کند، درحالی که اختیار چنین عملی را نداشته، خودش متعهد برواتی می باشد و چنانچه پرداخت نماید، همان حقوقی را خواهد داشت که منوب عنه ادعایی وی می توانست داشته باشد. این حکم در مورد نماینده ای که از حدود اختیاراتش تجاوز نموده نیز جاری است». این حکم که ناظر به نبود نمایندگی و تجاوز نماینده از حدود اختیارات است، در خصوص کتمان نمایندگی نیز به طریق اولی قابل اعمال است، زیرا در فرضی که شخص مدعی نمایندگی که دارای نمایندگی نیست، در صورت پرداخت وجه سند، حق مراجعه به مسئولان سند یا برخی از ایشان را پیدا می کند، شخصی که با وجود کتمان، دارای نمایندگی است و اقدام به پرداخت نموده نیز به طریق اولی باید از این اختیارات برخوردار باشد.

۲.۲.۲. نداشتن نمایندگی یا تجاوز از حدود اختیارات

ممکن است شخصی بدون داشتن نمایندگی یا فراتر از حدود اختیارات خود، سندی را به ادعای نمایندگی از طرف دیگری صادر نماید. حال باید دید چه شخصی مسئول است؟ برای پاسخ به این پرسش مسئولیت منوب عنه و مسئولیت نماینده ادعایی قابل بررسی است. در خصوص مسئولیت منوب عنه ادعایی باید گفت، تحمیل تعهد به شخصی که به هیچ وجه دخالتی در سند نداشته، غیرمنطقی است، زیرا عمل حقوقی انجام شده عملی فضولی بوده و بدون تنفیذ اصیل نسبت به وی بی اثر است. این حکم از مواد ۲۴۷ و ۶۷۴ قانون مدنی قابل استنباط است. لیکن باید دید در صورت عدم تنفیذ عمل حقوقی یادشده از سوی اصیل آیا

می‌توان صدور سند را به حساب شخص امضاکننده تلقی نمود و نماینده ادعایی را مسئول دانست؟

ماده ۸ قانون متحدالشکل درباره برات و سفته و بند سوم ماده ۵-۵۱۱ L قانون تجارت فرانسه، نماینده ادعایی یادشده را نسبت به مواردی که دارای اختیار نیست، اصیل تلقی می‌نمایند. به موجب این مقررات، «هرکس امضای خود را به‌عنوان نماینده شخصی در ورقه برات منعکس نماید بدون اینکه قانوناً اختیار چنین عملی را از جانب او داشته باشد، مثل دیگر متعهدان سند، مسئول است و اگر وجه سند را پرداخت کند، دارای حقوق همان شخصی خواهد بود که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده، جاری است.» مشابه این حکم در ماده ۱۱ قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک نیز مقرر شده است.^۱

در حقوق ایران، حکم صریحی در این خصوص در قانون تجارت وجود ندارد. لیکن بر اساس قواعد عمومی، در صورت فضولی بودن عمل حقوقی و تنفیذ نشدن آن از سوی اصیل، این عمل حقوقی برای نماینده نیز واقع نمی‌شود، ولی از باب مسئولیت مدنی می‌توان وی را مسئول جبران خسارت دانست (در تأیید این نظر ر.ک. اسکینی، ۱۳۷۳، ص ۴۵-۴۴). به نظر می‌رسد، با عنایت به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ش که تعیین میزان زیان و روش و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال، از اختیارات دادگاه دانسته، دادگاه می‌تواند شخص یاد شده را ملزم به انجام تعهدات ناشی از صدور سند نماید. استفاده از راه‌حل اخیر قطعی نیست، زیرا قانون‌گذار اختیار آن را به دادگاه واگذار کرده است. بنابراین با توجه به روح حاکم بر اسناد تجاری و برای اینکه اسناد تجاری نقش خود را به‌نحو شایسته ایفا نمایند، شایسته است قانون‌گذار در مقررات مربوط به اسناد تجاری حکمی مبنی بر مسئولیت نماینده ادعایی و نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده است، پیش‌بینی نماید.

باتوجه به مطالب پیش‌گفته، در حقوق ایران، فرانسه و کنوانسیون‌های ژنو، شخصی که در صدور سند تجاری نمایندگی خویش را اظهار نکرده و نماینده ادعایی که در واقع دارای نمایندگی نیست و نیز نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده است، بسته به موضوع، بابت کل وجه سند یا قسمتی از آن مسئول‌اند. البته مبنای مسئولیت در نظام‌های حقوقی اشاره‌شده تفاوت‌هایی دارد. ولی آنچه در هر سه نظام حقوقی مسلم است اینکه در صورت وجود دو قید، مسئولیت متوجه اصیل بوده، مسئولیت نماینده منتفی است. دو قید مزبور عبارت‌اند از اینکه اولاً نماینده دارای اختیار بوده، ثانیاً عنوان نمایندگی در خود سند قید

۱. بند یک ماده ۶-۲-۲ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز مدعی دروغین نمایندگی را مسئول انجام تعهدات شناخته است (UNCITRAL, 2010, p. 84).

شده باشد (در تأیید این نظر ر.ک. اخلاقی، ۱۳۷۳، ص ۹۶-۹۵؛ همچنین در تأیید این مطلب در حقوق فرانسه ر.ک. اسکینی، ۱۳۷۳، ص ۴۱)، که قید اخیر برای حمایت از دارنده باحسن نیت است.

۲.۲.۳. مسئولیت نماینده در موارد خاص قانونی

هرچند نماینده اصولاً مسئول تعهداتی که به اسم منوب عنه خود ایجاد می کند، نیست، ولی در خصوص چک، به طور خاص، و برای حمایت بیشتر از دارنده سند، قانون گذار در ماده ۱۹ قانون صدور چک افزون بر اصیل، نماینده صادرکننده که چک از سوی او صادر شده را نیز به طور تضامنی مسئول پرداخت وجه آن دانسته است. رأی شماره ۳۶۴ به تاریخ ۱۳۶۹/۶/۲۴ شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور نیز که مقرر می دارد: «اعلام عدم مسئولیت حقوقی مدیران شرکت در قبال خواهان، با توجه به صحت صدور چک مستند دعوی، بی وجه است» (دمرجیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۴، ص ۶۶۵)، در همین راستا صادر شده است. ماده ۱۹۰ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۱۳۸۷ش نیز بر همین اساس، صادرکننده چک و صاحب حساب را متضامناً مسئول پرداخت وجه چک دانسته است که البته نماینده پس از پرداخت وجه سند، حق مراجعه به اصیل را خواهد داشت. برخی (صقری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴) ضمن انتقاد از شناسایی مسئولیت تضامنی برای نماینده در ماده ۱۹ قانون صدور چک، به دلیل سلب امنیت مالی نماینده، آن را ترتیبی غیراصولی دانسته اند.

۳. مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی از شرکت تجاری

نمایندگی در شرکت های تجاری احکامی ویژه دارد که می تواند مسئله صدور سند تجاری به نمایندگی را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان وضعیت شرکت سهامی به دلیل حمایت ویژه از اشخاص ثالث، متفاوت است. بنابراین پس از بیان احکام صدور سند تجاری به نمایندگی از شرکت سهامی، مسئله در شرکت های دیگر بررسی می شود.

۱.۳. شرکت های سهامی

بدیهی است چنانچه شخصی بدون داشتن مدیریت یا نمایندگی از شرکت سهامی از جانب شرکت یادشده اقدام به صدور سند تجاری نماید، مسئولیتی متوجه شرکت نخواهد بود. در واقع از این جهت تفاوتی میان ادعای نمایندگی از طرف شرکت و غیر آن وجود ندارد. در این خصوص، مسئولیت مدعی نمایندگی همان است که قبلاً بیان شد. حال باید دید چنانچه صدور سند تجاری از سوی شخص یا اشخاصی صورت گرفته باشد که شرایط و تشریفات قانونی برای انتخاب ایشان به عنوان مدیر رعایت نشده است، چه شخص یا اشخاصی مسئول هستند؟

همچنین اگر مدیر یا مدیران شرکت سهامی با تجاوز از حدود اختیارات خویش اقدام به صدور سند تجاری نمایند، چه شخصی مسئول خواهد بود؟

۳.۱.۱. رعایت نکردن شرایط و تشریفات انتخاب مدیر

در شرکت‌های سهامی انتخاب هیئت مدیره در صلاحیت مجمع عمومی عادی و انتخاب مدیرعامل در صلاحیت هیئت مدیره شرکت است. انتخاب هر یک از دو رکن اجرایی یادشده دارای شرایط و تشریفات است. این شرایط و تشریفات هم در مرحله تشکیل جلسه (برای نمونه ر.ک. مواد ۷۵، ۸۴، ۸۷ و ۱۲۱) و هم در مرحله تصمیم‌گیری (برای نمونه ر.ک. مواد ۷۵، ۸۵، ۸۸ و ۱۲۱) برای انتخاب باید رعایت شود. ضمانت اجرای شرایط و تشریفات یادشده این است که هر ذی‌نفعی می‌تواند از دادگاه صلاحیت‌دار ابطال تصمیمی را که تشریفات قانونی در آن رعایت نشده است، تقاضا نماید (برای نمونه ر.ک. مواد ۱۱۱ و ۱۲۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت).

حال پرسش این است که اگر هیئت مدیره یا مدیرعامل بدون رعایت شرایط و تشریفات قانونی انتخاب شده و قبل از ابطال انتخاب ایشان یا عزل آن‌ها، نامبردگان اقدام به صدور سند تجاری از طرف شرکت نمایند، آیا برای شرکت مسئولیت ایجاد می‌شود؟

برای پاسخ به این پرسش باید به احکام مندرج در مواد ۱۲۶ و ۱۳۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت توجه نمود. به موجب ماده ۱۲۶، «اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچ‌کس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است، در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت‌های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد». ماده ۱۳۵ با وضوح بیشتری در این خصوص مقرر نموده است: «کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن‌ها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست». بنابراین به موجب مواد یادشده، رعایت نکردن تشریفات انتخاب مدیران شرکت سهامی، هرچند می‌تواند موجب عزل ایشان شود، در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست. ماده ۷ قانون ثبت شرکت‌ها نیز در خصوص تشریفات لازم برای اعلام تغییرات مدیریتی شرکت، قابل توجه است. بر اساس این ماده، تغییرات درباره نمایندگان شرکت که به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع داده نشود، علیه اشخاص ثالث با حسن نیت قابل استناد نیست، که حکم ماده اخیر به شرکت‌های سهامی اختصاص ندارد.

۳. ۱. ۲. تجاوز از حدود اختیارات

بدیهی است اهلیت تمتع اشخاص حقوقی محدود به موضوع و لوازم موضوع آنهاست. بنابراین چنانچه مدیر یا مدیران شخص حقوقی خارج از حدود موضوع فعالیت شخص یادشده اقدامی نماید، در حق شخص حقوقی تأثیری نخواهد داشت و مسئولیتی برای آن ایجاد نمی‌نماید. این امر از ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که اختیارات مدیران را ناظر به حدود موضوع شرکت دانسته است، آشکارا استنباط می‌شود. ولی پرسش این است که اقدامات هیئت مدیره یا مدیرعامل شرکت سهامی که در حدود موضوع شرکت و فراتر از حدود اختیارات مدیران صورت می‌پذیرد، چه حکمی دارد؟ آیا اگر مدیران یادشده ضمن تجاوز از حدود اختیارات خود اقدام به صدور سند تجاری از طرف شرکت نمایند، مسئولیتی متوجه شرکت می‌شود یا خیر؟ بر اساس ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مدیران شرکت سهامی اصولاً دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره شرکت هستند؛ بنابراین پرسش مطرح شده ناظر به فرضی است که به موجب اساسنامه یا خارج از اساسنامه، اختیارات مدیران محدود شده باشد. برای نمونه ممکن است مدیران شرکت سهامی از صدور سند تجاری منع شده یا اختیار ایشان در صدور سند تجاری مقید به مبلغ مشخصی شده باشد؛ در این صورت پرسش مطرح شده، اهمیت پیدا می‌کند.

در پاسخ به این پرسش، قسمت اخیر ماده ۱۱۸ لایحه پیش گفته قابل توجه است. به موجب این مقرر، «محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است». بنابراین محدود نمودن اختیارات مدیران، اعم از پیش‌بینی شدن یا نشدن در اساسنامه، معتبر است، ولی در برابر اشخاص ثالث غیرقابل استناد خواهد بود.

در خصوص اینکه کلمه «مدیران» در ماده ۱۱۸ صرفاً شامل هیئت مدیره است یا مدیرعامل را هم دربر می‌گیرد، میان حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی (کریم کیایی، حقوق بازرگانی، ص ۱۵۹، به نقل از اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۸) نظر به توسعه قلمرو مفهوم مدیران داشته، آن را شامل هیئت مدیره و مدیرعامل می‌دانند. در مقابل برخی (اسکینی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴؛ دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۸) آن را صرفاً ناظر به هیئت مدیره می‌دانند.

با توجه به عموم لفظ «مدیران»، ممکن است این گونه به نظر برسد که این لفظ شامل مدیرعامل نیز می‌شود. طبیعی است با پذیرش این نظر، تردیدی وجود نخواهد داشت که محدود بودن اختیارات مدیرعامل شرکت سهامی، تأثیری علیه اشخاص ثالث نخواهد داشت. لیکن چنانچه لفظ «مدیران» را صرفاً ناظر به هیئت مدیره بدانیم، ممکن است محدود نمودن اختیارات مدیرعامل علیه اشخاص ثالث قابل استناد دانسته شود. باین همه ممکن است برای

عدم قابلیت استناد تحدید اختیارات مدیرعامل به ملاک ماده ۱۱۸ استناد گردد. توضیح اینکه ملاک ماده ۱۱۸ که تحدید اختیارات مدیران علیه اشخاص ثالث را غیرقابل استناد دانسته، حمایت از اشخاص ثالث است. همین منطبق در خصوص محدودیت اختیارات مدیرعامل نیز وجود دارد. افزون‌براین، وقتی به موجب ماده ۱۲۶، رعایت نکردن تشریفات مربوط به اصل انتخاب مدیرعامل تأثیری علیه اشخاص ثالث ندارد، به طریق اولی محدود نمودن اختیارات وی نباید علیه اشخاص ثالث قابل استناد باشد.

باید توجه داشت که ممکن است به استدلال‌های اخیر ایراد وارد شود، زیرا ماده ۱۲۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مدیرعامل شرکت را در حدود اختیارات تفویضی از سوی هیئت مدیره، نماینده شرکت دانسته است. به علاوه به موجب ماده ۱۲۸ مقررات یادشده، حدود اختیارات مدیرعامل باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. توضیح اینکه برخلاف هیئت مدیره که اصولاً دارای تمام اختیارات لازم برای اداره شرکت است، مدیرعامل قاعدتاً دارای اختیار نبوده، صرفاً در محدوده اختیارات تفویضی هیئت مدیره به وی که ثبت و اعلان نیز می‌گردد، نماینده شرکت محسوب می‌شود.

با این‌همه با وجود جدی بودن اختلاف‌نظرهای یادشده که دخالت قانون‌گذار برای تعیین تکلیف صریح را ایجاب می‌نماید، با توجه به روح حاکم بر لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که در صدد حمایت از اشخاص ثالث می‌باشد، به نظر می‌رسد، چنانچه مدیران شرکت سهامی اعم از هیئت مدیره یا مدیرعامل شرکت با تجاوز از حدود اختیارات خود اقدام به صدور سند تجاری به نام و به حساب شرکت نمایند، شرکت مسئول خواهد بود. بدیهی است اگر در پی اقدام مدیران متخلف خسارتی به شرکت وارد آید، شرکت می‌تواند علیه مدیران خود دعوی مسئولیت مدنی اقامه کند.

در پایان، بررسی این مسئله لازم است که در شرکتی که صدور اسناد تعهدآور آن به اقدام اشتراکی دو یا چند مدیر وابسته شده است، اگر یک مدیر به تنهایی سند تجاری صادر نماید، تکلیف چیست؟ در این راستا حکم مورخ ۱۳۵۸/۶/۱۱ شعبه ۲۷ دادگاه شهرستان تهران قابل توجه است. به موجب این حکم، «در مانحن فیه سفته‌ها ممضی به امضای احد از مدیران عامل و رئیس هیئت مدیره و ممهور به مهر شرکت است. عدم امضاء احد از مدیران عامل و بالتجیه عدم رعایت مقررات مربوط به اساسنامه از جانب امضاءکنندگان سفته‌ها و تحویل سفته‌ها به دارنده با علم به این که امضاء احد از مدیران را فاقد است، در حقیقت نوعی قصور و تخلف و عدم رعایت غبطه و صرفه شرکت از جانب مدیران امضاءکننده و حداکثر می‌تواند ملاک موآخذ و مطالبه خسارت در روابط مدیران و شرکت باشد و تأثیری در حقوق دارنده مستندات نخواهد داشت...» (صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱-۱۲۰).

به موجب پرونده دیگری در سال ۱۳۶۱ش، دعوی از سوی بانک تجارت علیه یک شرکت سهامی به خواسته مطالبه وجه سند تجاری اقامه و موجب تشکیل پرونده‌ای در شعبه ۱۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران شد. به موجب دفاعیات خوانده (شرکت سهامی)، اسناد موضوع دعوی صرفاً به امضای مدیرعامل وقت (که عضو هیئت مدیره نیز بوده) رسیده است؛ درحالی که به موجب اساسنامه شرکت، اسناد تعهدآور شرکت باید به دو نفر از اعضای هیئت مدیره برسد. دادگاه یادشده طی دادنامه شماره ۴۳۱-۱۰/۸-۱۳۶۵ با این استدلال که مدیرعامل در واقع نماینده اصلی و به منزله وکیل شرکت مرتبط با مراجعان شرکت می‌باشد، حکم به محکومیت شرکت داده و دفاع خوانده دعوی مبنی بر رعایت نکردن شرایط اساسنامه شرکت در خصوص صدور سند تجاری را نپذیرفته است. لیکن در پی اعتراض محکوم علیه، شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۱۸/۳۴۲/۶۸ به تاریخ ۱۳۶۸/۵/۳۱ موضوع پرونده کلاسه ۱۸-۳۱۱۷/۱-۱۸، این رأی را نقض کرده و دادگاه را به توجه به مفاد اساسنامه ملزم دانسته است (برای آگاهی از آرای یادشده ر.ک. بهرامی، ۱۳۸۴، ص ۴۰۰-۳۹۷).

برای داوری نسبت به آرای یادشده باید در پی ملاکی منطقی بود. به نظر می‌رسد صرف نظر از مقررات اساسنامه شرکت سهامی که قابل استناد علیه ثالث نیست، ملاک در انتساب اقدام به شرکت، توجه به ظهورات معتبری است که در خصوص موضوع وجود دارد. توضیح اینکه درباره اقدامات مدیران (هیئت مدیره)، ظاهر بر لزوم اقدامات مجموعی ایشان است. بنابراین طبیعی است اگر یکی از اعضای هیئت مدیره (که دارای عنوان مدیرعامل نیست) به تنهایی اقدام به صدور سند نماید، دارنده سند نمی‌تواند صدور سند را منتسب به شرکت بداند. ولی در خصوص اقدامات مدیرعامل (صرف نظر از عضویت داشتن یا نداشتن وی در هیئت مدیره)، ظاهر این است که اقدامات مدیرعامل به تنهایی موجب مسئولیت شرکت می‌شود و اعتماد اشخاص ثالث به این ظاهر قابل حمایت است. ماده ۱۳۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که به موجب آن، «کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است...» مؤید این ظهور است. بنابراین اعتماد شخص ثالث به سندی که مدیرعامل از جانب شرکت صادر کرده، معقول بوده و حمایت از آن لازم است (برای آگاهی از نظر مخالف ر.ک. پاسبان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۰، ۲۰۴ و ۲۰۵). باید توجه نمود که قسمت اخیر ماده ۱۳۵ مقرر داشته است که «نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آن‌ها، اعمال و اقدامات آنان را غیرمعتبر دانست»؛ حال چنانچه از این قسمت ماده، حکم یادشده در صدر ماده مختص فرض رعایت نکردن تشریفات انتخاب مدیرعامل (و نه محدود نمودن اختیارات وی) دانسته شود، نمی‌توان از این ماده به عنوان مؤید استفاده نمود. درهرحال به نظر می‌رسد در این دعوی، نتیجه استدلال دادگاه نخستین دارای برتری است.

۲.۳. شرکت‌های دیگر

در خصوص شرکت بامسئولیت محدود بر اساس ماده ۱۰۵ قانون تجارت، می‌توان اختیارات مدیران را محدود نمود. البته چنانچه تحدید اختیارات مدیران در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد، در مقابل اشخاص ثالث نیز معتبر است. در غیر این صورت تحدید اختیارات مدیران در برابر نامبردگان غیرقابل استناد خواهد بود. بنابراین در این شرکت، چنانچه مدیر شرکت برخلاف حدود اختیارات خود اقدام به صدور سند تجاری نماید، باید میان دو فرض تفکیک نمود. اگر تحدید اختیارات در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد، صدور سند به حساب خود مدیر متخلف گذاشته می‌شود و او شخصاً در برابر ثالث باحسن‌نیت مسئول است. اما اگر تحدید اختیارات در اساسنامه تصریح نشده باشد، شرکت مسئول تعهدات ناشی از صدور سند خواهد بود. بدیهی است در این صورت شرکت می‌تواند به دلیل نقض تعهد و برای جبران خسارات احتمالی وارد به خود، به مدیر متخلف مراجعه نماید.

آنچه از منطوق ماده ۱۰۵ می‌توان برداشت کرد، ناظر به مسئولیت یا عدم مسئولیت شرکت بامسئولیت محدود در برابر اشخاص ثالث است که چنانچه مدیر یا مدیران شرکت فراتر از اختیارات خود تعهداتی بسپارند، در فرض تحدید اختیارات مدیران در اساسنامه، شرکت مسئولیتی در قبال آن ندارد. ولی در فرض تصریح نشدن در اساسنامه، شرکت مسئول شناخته می‌شود. حال باید دید در این صورت آیا شخص مدیر مسئولیت دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد در صورتی که حدود اختیارات مدیر خارج از اساسنامه تعیین شده باشد، دلیلی بر مسئولیت قراردادی مدیر در مقابل شخص ثالث وجود ندارد، زیرا صرف نظر از تخلف مدیر، شرکت مسئول دانسته شده و مطلوب شخص ثالث نیز مسئولیت شرکت بوده است. به دیگر سخن، تخلف مدیر تأثیری بر حقوق شخص ثالث نداشته، صرفاً در روابط میان مدیر و شرکت مؤثر است. ولی در صورتی که اختیارات مدیر در اساسنامه تحدید شده باشد، از آنجایی که شرکت مسئول قلمداد نمی‌شود، بررسی مسئولیت مدیر یا مدیران متخلف دارای اهمیت است. برای بررسی مسئولیت ایشان باید میان آگاهی داشتن یا نداشتن شخص ثالث تفکیک نمود. بدیهی است در فرض آگاهی نداشتن نامبرده از محتویات اساسنامه مبنی بر محدود شدن اختیارات مدیران و مقصر نبودن وی در این خصوص، مدیر دارای مسئولیت مدنی بوده، همان‌گونه که در قسمت قواعد عام مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی، بیان شد، قاضی می‌تواند بر اساس ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، به‌عنوان یکی از روش‌های جبران خسارت، مدیر را ملزم به اجرای تعهدات ناشی از سند در برابر شخص ثالث نماید. اما در فرض آگاهی شخص ثالث از اساسنامه، اعمال مقررات مسئولیت مدنی ناشی از

غرور منتفی است. به دیگر سخن، اقدام شخص ثالث علیه خود مانع تمسک به مسئولیت مدنی است؛ در نتیجه شرکت و مدیر در این فرض مسئولیتی از بابت صدور سند تجاری ندارند. در خصوص تعدد مدیران شرکت بامسئولیت محدود نیز این پرسش مطرح است که چنانچه برخی از مدیران اقدام به صدور سند تجاری نمایند، آیا صدور سند یادشده به حساب شرکت گذاشته می شود یا خیر؟ در این خصوص رأی مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۴ شعبه ۴۴ دادگاه حقوقی ۲ تهران قابل توجه است. به موجب این رأی، «... نظر به اینکه ... دارندگان حق امضا در اسناد تعهدآور شرکت ... با مسئولیت محدود دو نفر می باشند و مندرجات ظهر چک مستند دعوی حاکی است که ظهرنویسی توسط احد از آنان به عمل آمده ... به نظر دادگاه انتقال وجه چک به نحو قانونی صورت نگرفته ... دادگاه خواهان را ذیحق در مطالبه وجه چک تشخیص نداده، حکم به بی حقی وی را صادر و اعلام ... می نماید...» (صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰). این حکم با توجه به ماده ۶۶۹ قانون مدنی، قابل تأیید است، زیرا مدیریت در شرکت با مسئولیت محدود تابع احکام وکالت است.

در خصوص صدور سند تجاری به نمایندگی از شرکت تضامنی، باید به مقررات ماده ۱۲۱ قانون تجارت توجه نمود. به موجب این ماده، «حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده». بر اساس ماده ۵۱، «مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد». این ماده از نمایندگی و وکالت مدیر از شرکا سخن به میان آورده است، ولی همان گونه که برخی از نویسندگان (پاسبان، ۱۳۸۷، ص ۴۰۷-۴۰۵) بیان داشته اند، تعبیر قانون گذار محمول بر مسامحه است. در واقع با توجه به شخصیت حقوقی مستقل شرکت تضامنی، باید مدیر را وکیل شرکت به شمار آورد. بنابراین در خصوص مدیریت شرکت های تضامنی اصولاً مقررات عام وکالت جاری بوده، چنانچه مدیری اقدام به صدور سند تجاری نماید، همان مسئولیت هایی که در قسمت قواعد عام مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری به نمایندگی برای نماینده بیان شد، جاری می گردد.

حکم مسئله درباره شرکت های نسبی و مختلط غیرسهامی نیز مطابق حکم مقرر در شرکت تضامنی است؛ زیرا بر اساس ماده ۱۸۵ در شرکت نسبی و مستفاد از ماده ۱۴۴ در شرکت مختلط غیرسهامی، موضوع به مقررات ماده ۱۲۱ در بحث شرکت تضامنی ارجاع شده، مقررات دیگری در این باره وجود ندارد. بنابراین در خصوص مدیریت و مسئولیت ناشی از اقدامات مدیران در این دو دسته شرکت نیز مقررات عام وکالت جاری است. در خصوص شرکت مختلط سهامی نیز ماده ۱۶۴ قانون تجارت با پیش بینی حکمی شبیه حکم ماده ۱۴۴، مدیریت شرکت مختلط سهامی را مخصوص به شریک یا شرکای ضامن دانسته و سخنی از حدود اختیارات مدیران و مسئولیت ناشی از اقدامات ایشان به میان نیاورده است. بنابراین از آنجایی

که شریک یا شرکای مدیر به‌عنوان وکیل شرکت (و نه به‌عنوان شریک شرکت) عمل می‌نمایند، در این باره نیز باید سراغ مقررات عمومی وکالت رفت. در خصوص شرکت‌های تعاونی نیز با توجه به پیش‌بینی نشدن مقررات ویژه درباره موضوع مورد بحث، همین حکم (استفاده از مقررات عام پیش‌گفته) جاری است.

۴. نتیجه

با توجه به دستاورد این پژوهش، در باب اسناد تجاری نیز در فرض صدور سند به نمایندگی، اصولاً اصیل مسئولیت داشته، نماینده دارای مسئولیت نیست. با این‌همه حمایت از اعتماد مشروع اشخاص ثالث باحسن‌نیت ایجاب می‌نماید تا در مواردی که نماینده صادرکننده سمت خویش را اظهار نکرده، دارنده سند بتواند با استناد به ظاهر امر، وی را مسئول به‌شمار آورد. دادگاه نیز می‌تواند نماینده‌ای را که از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است یا دارای نمایندگی نیست، بر اساس قواعد مسئولیت مدنی بسته به مورد به پرداخت تمام یا قسمتی از وجه سند محکوم کند. با این‌همه با توجه به الزامی نبودن راهکار یادشده برای دادگاه‌ها، شایسته است قانون‌گذار مقررات مناسبی برای حمایت بهینه از اشخاص ثالث پیش‌بینی نماید. در خصوص صدور سند به نمایندگی از شرکت‌های سهامی، رعایت نکردن شرایط و تشریفات انتخاب مدیران شرکت، هرچند می‌تواند باعث عزل ایشان از سوی دادگاه شود، ولی عدم رعایت این شرایط و تشریفات، در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست و در نگاه اشخاص ثالث، نامبردگان مدیر شرکت محسوب می‌شوند. در شرکت‌های یادشده تحدید اختیارات مدیران اعم از اینکه در اساسنامه پیش‌بینی شده یا نشده باشد، در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست. به همین دلیل بر فرض تحدید اختیارات مدیران، صدور سند تجاری از سوی ایشان از جانب شرکت موجب مسئولیت شرکت در برابر اشخاص ثالث باحسن‌نیت می‌شود. البته در خصوص جریان حکم اخیر و شمول لفظ «مدیران» در ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت نسبت به مدیر یا مدیران عامل شرکت سهامی، ابهامات و اختلافاتی وجود دارد که دارای آثار بسیار مهم است. به همین دلیل شایسته است قانون‌گذار برای رفع هرگونه اختلاف و نیز حمایت صریح از اشخاص ثالث، شمول این حکم نسبت به مدیرعامل را نیز تصریح کند.

در خصوص شرکت‌های با مسئولیت محدود، در صورت تحدید اختیارات مدیران خارج از اساسنامه، شرکت در برابر اشخاص ثالث مسئول بوده، مدیر از این بابت مسئول نخواهد بود. البته مدیر متخلف ممکن است در برابر شرکت دارای مسئولیت مدنی باشد، ولی در صورت تحدید اختیارات مدیران در اساسنامه، اقدام مدیر موجب مسئولیت شرکت نبوده، خود مدیر در

برابر شخص ثالث ناآگاه دارای مسئولیت مدنی خواهد بود. این مسئولیت می تواند بر اساس ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، الزام به اجرای تعهدات ناشی از سند تجاری باشد. در خصوص شرکت های تضامنی، نسبی، تعاونی، مختلط غیرسهامی و مختلط سهامی، با توجه به اینکه مدیر وکیل شرکت به شمار آمده، اصولاً مقررات عام وکالت در این خصوص حاکم است. بنابراین چنانچه مدیری اقدام به صدور سند تجاری نماید، مشمول قواعد عام صدور سند تجاری به نمایندگی و مسئولیت های ناشی از آن خواهد بود. البته حمایت از اشخاص ثالث باحسن نیت ایجاب می نماید که قانون گذار در خصوص شرکت های اخیر نیز مسئولیت شرکت ناشی از اقدامات مدیران متخلف را تصریح کند.

منابع و مأخذ

الف- فارسی و عربی

۱. اخلاقی، بهروز (۱۳۷۳). جزوه حقوق تجارت (۳). اسناد تجاری، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۳). حقوق تجارت تطبیقی. تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ج ۱.
۳. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۷). حقوق تجارت. شرکت های تجاری، ج ۱، تهران، انتشارات سمت، ج ۲.
۴. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۸). حقوق تجارت. شرکت های تجاری، ج ۲، تهران، انتشارات سمت، ج ۲.
۵. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۶). حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، تهران، انتشارات سمت، ج ۳.
۶. اشمیتوف، کلابوم (۱۳۷۸). حقوق تجارت بین الملل. ج ۲، مترجم: اخلاقی، بهروز و دیگران، تهران، انتشارات سمت، ج ۱.
۷. امیر معزی، احمد (۱۳۸۸). نیابت در روابط تجاری و مدنی. تهران، مؤسسه انتشارات دادگستر، ج ۱.
۸. انصاری، مرتضی (۱۴۲۰ق). کتاب مکاسب. ج ۳، قم، المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری الثانیة لمیلاد الشیخ الأنصاری، ج ۲.
۹. بهرامی، بهرام (۱۳۸۴). حقوق تجارت کاربردی. تهران، انتشارات نگاه بینه-بهنامی، ج ۳.
۱۰. پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۷). حقوق شرکت های تجاری. تهران، انتشارات سمت، ج ۳.
۱۱. پورارشد، نادر، اسکینی، ربیعا، الماسی، نجادعلی و شهبازی نیا، مرتضی (۱۳۸۹). «نظریه ظاهر (مطالعه در حقوق خارجی و ایران)»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، شماره ۴ (پیاپی ۷۰)، ص ۲۳-۱.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). مجموعه محشای قانون مدنی. تهران، گنج دانش، ج ۲.
۱۳. خزاعی، حسین (۱۳۸۵). حقوق تجارت. اسناد تجاری، ج ۳، تهران، مؤسسه نشر قانون، ج ۱.
۱۴. دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی و قرائی، محسن (۱۳۸۴). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران، انتشارات میناق عدالت، ج ۴.
۱۵. شهید ثانی (۱۴۱۴ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرایع الإسلام. ج ۵، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ج ۱.
۱۶. شهیدی، مهدی (۱۳۸۱). حقوق مدنی. ج ۲، اصول قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، ج ۱.
۱۷. صفایی، سیدحسین (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی. ج ۲، قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر میزان، ج ۴.
۱۸. صقری، محمد (۱۳۸۷). حقوق بازرگانی. اسناد، ج ۱، شرکت سهامی انتشار، ج ۲.
۱۹. صقری، محمد (۱۳۹۰). «اعتبار صحت ظاهری در حقوق تجارت (بحثی در حقوق ایران و فرانسه)». فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۳، ص ۱۱۴-۸۹.
۲۰. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۳ق). العروة الوثقی. ج ۶، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱.
۲۱. عرفانی، محمود (۱۳۸۶). مجموعه کامل محشای قانون تجارت ایران. تهران، انتشارات جنگل، ج ۱.

۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها. ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ج ۴.
۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی. اعمال حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۱۱.
۲۴. مافی، همایون و کدیور، حسام (۱۳۹۳). «بررسی اختیار ظاهری نماینده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی». حقوق خصوصی، دوره ۱۱، شماره ۱، ص ۵۰-۲۳.
۲۵. محقق حلی (۱۴۰۹). شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. ج ۲، تهران، انتشارات استقلال، ج ۲.
۲۶. نجفی، محمدحسن (۱۳۹۴ق). جواهرالکلام. ج ۲۷، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۶.
۲۷. نوبخت، یوسف (۱۳۸۵). اندیشه‌های قضایی. تهران، انتشارات تولید کتاب، ج ۱.

ب- خارجی

1. Code de commerce français.
2. Colin, Ambroise, Capitant, Henri et Julliot De la Morandière, Léon(1966), précis de Droit civil, T.2, Paris, Dalloz, 3^e éd.
3. Convention portant loi uniforme sur les chèques conclue à Genève le 19 mars 1931.
4. Convention portant loi uniforme sur les lettres de change et billets à ordre conclue à Genève le 7 juin 1930.
5. Cornu, Gérard(1992), Vocabulaire juridique, Paris, Presses univcitaires de France, 3^e edition.
6. Flour, Jacques, Aubert, Jean-Luc et Savaux, Éric(2002), Les obligations, L'acte juridique, Paris, Armand Colin et Delta, 2^e éd.
7. Ghillien, Raymond et Vincent, Jean sous la direction de Guinchard, Serge et Montagnier, Gabriel(2007), Lexique des termes juridiques, Paris, Dalloz, 16^e éd.
8. International Institute for the Unification of Private Law. (2010). Principles for International Commercial Contracts, Rome, published by the International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT)
9. Legeais, Dominique (2009), Droit commercial et des affaires, Paris, Dalloz-Sirey, 18^e éd.
10. Malaurie, Philippe, Aynès, Laurent et Gautier, Pierre –Yves(2009), Droit civil, les contrats spéciaux, Paris, Defrénois, 4^e éd.